



داد (Dad) : گوشه ای است در دستگاه ماهرور، در دانگ اول از الحان نزدیک در آمد.

داد آفرین (Dad Afarin) : نخستین سرودی است که بارید بر درخت سرو خوانده است. داستان درخت سرو به این گونه است که: سرکش یا سرکش، رامشگر خسرو پرویز کوشید تا مانع دیدار بارید با شاه شود. بارید ناامید قصد مراجعت دارد که با باغبان دربار که نامش مردوی بود آشنا می شود. مردوی همینکه آواز خوش و ساز دلپذیر بارید را می شنود از او می خواهد که پیش از حضور شاه در محلی بر درخت سرو که هرسال آن قسمت رفته و به گونه ای که ذکر می شود خود را به سلطان معرفی کند. بارید جامه ای از لباس سبز به تن می کند و بربط سبز رنگ خود را برداشته و خود را در میان درخت سرو پنهان می سازد و چون شاه جامی چند می نوشد او رامشگری را آغاز می کند و بدینگونه شاه او را دیده و علیرغم حسادت های سرکش یا سرکش جزو رامشگران دربار می شود. داد آفرین، داد آفرید هم آمده است.

داداشی، بیژن (Bizan Dadasi) : بیژن داداشی در ۱۷ تیر ماه ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و از کودکی زیر نظر پدر به نواختن آکاردئون پرداخت. در ۷ سالگی در برنامه کودک رادیو ایران آکوردئون میزد. بیژن در سال ۱۳۴۲ وارد هنرستان عالی موسیقی ملی شد و در ۱۳۵۰ در رشته پیانو فارغ التحصیل گشت. بیژن داداشی در سال ۱۳۵۷ به سرپرستی و رهبری کُر ملی منصوب گردید.

دادائی، حبیب اله (Habob-ollah Dadaii) : نوازنده چیره دست کمانچه در گروه محلی موسیقی شهر کرد.

دادبین، سحر (Sahar Dadbin) : نوازنده چیره دست ویلن در گروه ویلن دوم ارکستر مجلسی هنرستان موسیقی تهران.

دادشاه بلوچ (Dad-Sahe Baluc) : از شاعران تاریخی در موسیقی بلوچستان (شعر به داستان گوئی همراه با موسیقی اطلاق می شود).

دادگستری، مسعود (Maswud Dadgostari) : از صدابرداران و صداگذاران رادیو تلویزیون ایران در تهران.

دادور، عبدالله (قوام السلطنه) [Abdollah Dādvār] : استاد و نوازنده سه تار و از شاگردان استاد درویش خان و منتظم الحکما که در سال ۱۲۷۳ خورشیدی بدنیا آمد.

عبدالله دادور در نوجوانی به دارالفنون رفت و سپس زبان فرانسه را در مدرسه سن لویی بخوبی فرا گرفت. پدر عبدالله دادور، میرزا علی خان قوام السلطان وقتی شنید که فرزندش از مغازه مارکار سه تاری به قیمت ۳ تومان خریده، وی را نزد درویش خان برد تا او را آموزش دهد. عبدالله در سن ۱۷ سالگی فراگیری صحیح موسیقی را نزد استاد درویش خان شروع کرد. او علاوه بر تار، مدت ها نزد حاجی خان استاد ضرب به فراگیری این ساز پرداخت. عبدالله دادور از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ بود.

دارابی، مهدی [Mehdi Dārābi] : از صداپرداران و صداگذاران فعال در تهران.

دارالشفایی، محمد حسین [Mohammad Hoseym Dār-ol-šafāii] : از صداپرداران و صداگذاران با تجربه در رادیو تلویزیون ایران در تهران.

دار الفنون، تالار [Tālāre Dār-ol-Fnun] : در سال ۱۲۶۶ هجری، بنای دارالفنون به فرمان ناصر الدین شاه در زمین شمال شرقی ارگ سلطنتی تهران نهاده شد. در گوشه این مدرسه تالار بزرگی به گنجایش ۳۰۰ نفر به سبک تالارهای اروپا بر پا گردید. ولی به علت مخالفت ملایان مدت ها نتوانستند از آن استفاده کنند. بعد ها بطور خصوصی در آن جا، نمایش هائی بوسیله لومر فرانسوی. معلم موزیک دارالفنون و میرزا علی اکبر خان مزین الدوله و چند تن دیگر ترتیب داده شد.

دارالفنون، مدرسه [Madrāse Dār-ol-fnun] : مدرسه مشهور تهران که در سال ۱۲۶۸ توسط میرزا تقی خان امیر کبیر افتتاح گردید. تشکیل نخستین ارکستر نظام مدرسه به رهبری مسیو لومر، کارشناس فرانسوی در ایران، از اقدامات عهد قاجاریه است.

داروغه، کامران [Kāmran Dāruqe] : نوازنده چیره دست کمانچه که نامش در ردیف استادهائی چون، حسین خان اسماعیل زاده، استاد اصغر بهاری و حسین یاحقی می آید.

کامران داروغه در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سن ۲۱ سالگی بنا به تشویق پدر به فراگیری موسیقی پرداخت و در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام کرد ولی پس از یک سال به هنرستان موسیقی ملی که رئیس آن زنده یاد روح اله خالقی بود، میرود. اولین استاد او حسین علی ملاح است که به او ویلن درس می دهد. کامران داروغه، نواختن کمانچه را نزد استاد اسداله ملک می آموزد. بعد ها کامران داروغه به

دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران می رود و پس از فارغ التحصیل شدن در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به رادیو رفت و با تاسیس تلویزیون ملی ایران به نوازندگی کمانچه در ارکستر تلویزیون به سرپرستی زنده یاد مرتضی حنانه مشغول شد. از کارهای ارزنده این هنرمند، به نت درآوردن ریتم های زورخانه است. این کار با کمک و مساعدت محمد اسماعیلی انجام گرفت.

داریوش (داریوش اقبالی) (Dāryuś): داریوش اقبالی، خواننده مشهور و جنجالی ایران، فعالیت هنری اش را در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در تهران، همراه با افشین و کیوان آغاز نمود، ولی خیلی سریع هر کدام از آن ها، راهشان جدا شده و فعالیت مستقل خود را پی گیری نمودند. در آن سال ها، داریوش در کاباره هائی مانند "شکوفه نو"، "میامی" و "باکارا" برنامه اجرا می کرد، اما سبک کارش متفاوت بود و بزودی در بین جوانان ایران به خواننده انقلابی مشهور شد. داریوش در انتخاب ترانه، بسیار سخت گیر بوده و سعی دارد، ترانه هائی را اجرا کند که حرفی برای زدن داشته باشد و در تمام ترانه های او، وطن حضور دائمی دارد. پس از تغییر رژیم، داریوش به لُس آنجلس آمد و در این سال ها، از فعالیت بسیاری برخوردار بوده است. او در لُس آنجلس اقدام به تاسیس کمپانی تولید کاست و **CD** بنام **D.B.F.** نمود که اول نام خود او، دخترش بیتا و همسرش فیروزه می باشد. داریوش، خواننده ای است که جایگاه خاصی در موسیقی ایران دارد و با ترانه های او میلیون ها جوان ایرانی به هیجان آمده و احساسات وطن خواهانه آنان تحریک می شود. در زیر به برخی از جاودانه ترانه های این خواننده بزرگ ایران اشاره می شود: "گل بیتا"، "سرود آفرینش"، "امان از"، "دو مسافر"، "روز مبادا"، "تمام من"، "شاید باید"، "مرا به خانه ام ببر"، "جنگل جاری"، "نیایش"، "یاس پرپر"، "لالائی"، "به تکرار غم نیما"، "بچه های ایران"، "حریق دریا"، "پرسه"، "خانه"، "نون و پنیر و سبزی"، "مردم دنیا"، "کهن دیاران"، "بمان مادر"، "رسول رستاخیز"، "دیوار"، "مصلوب"، "تنگ غروب"، "کس نمیداند"، "وطن"، "مرگ شب"، "پند حافظ"، "گره کور"، "ولایت"، "نامه به وطن"، "نازنین"، "حادثه"، "فدائی"، "روزگار نا مهربون"، "فاجعه"، "پسرم"، "زندونی"، "خار"، "علی کنکوری"، "برادر جان"، "اجازه"، "بوی گندم"، "عشق من عاشقم باش"، "سال ۲۰۰۰"، "چشم من"، "خاموش نمیرید" و ده ها ترانه دیگر.

داریوش در حال حاضر در لُس آنجلس زندگی می کند.

داریوش، تاتر (Teatr Dāryuś): واقع در کوچه ملی لاله زار جنب کاباره مولن روژ که تنها یک سال فعالیت داشت.

داریه (Dāriye): لطفاً به دایره نگاه کنید.

داستان (Dāstān) : یکی از اقسام سه گانه شعر (سرود، داستان و ترانه). در ایام ساسانی، داستان، شامل روایت های حماسی بود که در جشن های ملی با ساز و آواز می خواندند. این رسم امروزه در بین طوایف کرد و بلوچ وجود دارد.

داستان پور، علی (Ali Dāstān-pur) : نوازنده چیره دست تار در آذربایجان و همدروه با آساطور صفریان و سیف اله ابراهیم زاده.

داستان، شرکت (Šerkate Dāstān) : مرکز اشاعه فرهنگی، علمی و تاریخی که مبادرت به تولید و پخش مجموعه ای از سرودهای حماسی و ملی در تهران نموده است. تهیه کننده این مجموعه؛ علی رضا اکبریان بوده و با نظارت دکتر احمد فرخ و تکخوانی مهرداد کافی این اثر به نتیجه رسیده است.

داعی (Dāwi) : نظام الدین محمد بن حسن الحسنی معروف به داعی یا شاه داعی از اعقاب فرمانروایان طبرستان و گرگان است که داعی را بعنوان تخلص برای اشعارش انتخاب کرده است. ولادت این شاعر در سال ۸۱۰ هجری در شیراز و وفاتش در سال ۸۶۹ در همین شهر اتفاق افتاده است. دیوان این شاعر در ۱۳۶۵۸ بیت در سال ۱۳۳۹ در تهران بچاپ رسیده است.

دامانا (Dāmānā) : از سبک های موسیقی ترکمن صحرا.

دانش، عبدالوهاب (Ablodvahrāb Dāneš) : نوازنده چیره دست ویلن و همدوره با علی محمد خادم میثاق و حسین علی وزیری تبار.

دانش، منصور (Mansur Dāneš) : تهیه کننده برنامه "سیر و تحول موسیقی" در مرکز رادیو تلویزیون اصفهان در سال های پیش از انقلاب که در ۵۲ قسمت توسط دکتر ساسان سینتا نوشته و اجرا می شد.

دانشنامه علائی، کتاب (Ketābe Dānešnāme-ye Alāwi) : کتابی در خصوص موسیقی که توسط ابو علی سینا در سده چهارم هجری نوشته شده است.

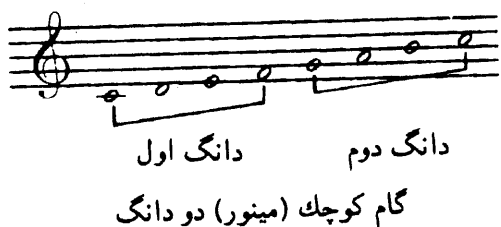
دانشور، تقی (Taqi Dānešvar) : ملقب به اعلم السلطان که در سال ۱۲۵۸ خورشیدی بدنیا آمد.

تقی دانشور، در تاریخ موسیقی ایران، اولین کسی است که موسیقی ایرانی را با ویلن نواخت. او ردیف های موسیقی را نزد حسین خان اسماعیل زاده و میرزا عبدالله آموخت. تقی دانشور از شاگردان مسیو لومر فرانسوی و دستیار و معاون او، دوال بود. دوال کسی است که برای اولین بار نواختن ویلن را در ایران معمول کرد. تقی دانشور چند سال رئیس فرهنگ اصفهان بود. او در ارتش به مقام سرتیپی رسید و در بیمارستان سینای تهران هم مدتی کارآموزی کرد.

تاریخ بازنشستگی این هنرمند ۱۳۱۲ و تاریخ وفاتش ۱۳۳۹ خورشیدی است.

دانگ یا تتراکورد (Dāng yā Tetrākord): دانگ را می توان جزو بنیاد های ساختمان مقام معنا

کرد. هر دانگ مرکب از چهار نت پی در پی است که حدود آن یک فاصله چهارم درست را تشکیل می دهد. گام د یا تونیک، شامل دو دانگ است که بوسیله یک فاصله دوم بزرگ (یک پرده) از هم جدا شده اند. در موسیقی ایرانی از دو کیفیت دانگ می توان سخن گفت: دانگ های بنیادی که بستر اولیه را ساخته و دانگ های ترکیبی که حول درجات گوناگون این بستر، مقامات اصلی و فرعی موسیقی را بوجود آورده است.



داود شیرازی (Dāvud Širāzi): نوازنده زبردست تار در شیراز و همدوره با آقا حسینقلی و میرزا عبدالله.

داودیان، اوهان (Ohān Dāvidyān): اوهان داودیان در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در روستای گرد آباد رضائیه بدنیا آمد. او از معروفترین خوانندگان، سورنا و دهل نوازان موسیقی اصیل ارمنی ها در رضائیه می باشد.

داودیان، کاظم (Kāzem Dāvudyān): نوازنده چیره دست تار در تهران و همدوره با استاد مجید کیانی و جلیل عندلیبی.

داودیان، یرواند (Yervan Dāvidyān): یرواند داودیان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در روستای گرد آباد رضائیه بدنیا آمد. پدر او از نوازندگان برجسته کمانچه و دهل بود. او از ۷ سالگی نزد پدر به فراگیری

کمانچه و دهل پرداخت. یرواند قدیمی ترین و با سابقه ترین نوازنده موسیقی اصیل ارمنی در رضائیه است. او با موسیقی آسوری و ترکی نیز آشنائی دارد.

داودی (Dāvudi): نغمه و الحان خوش و دلکش که منسوب به داود نبی می دانند.

داودی، جلال (Jalāl Dāvudi): سید جلال داودی نوازنده چیره دست کمانچه و از همکاران نزدیک استاد تاج اصفهانی و عباس خان سروری نوازنده تار است.

داودی، حسن (Hasan Dāvudi): نوازنده چیره دست پیانو و ویلن و همدوره با علی محمد خادم میثاق، حسین علی وزیری تبار و عباس یزدان پناه.

داودی، رحمت اله (Rahmat-ollāh Dāvudi): رحمت اله داودی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در خاش، بلوچستان بدنیا آمد. از ۱۸ سالگی، نواختن رباب را نزد موسی زنگشاهی آغاز کرد. او در حال حاضر در زاهدان و در اداره کل فرهنگ آن جا خدمت می کند.

داودی، سهراب (Sohrāb Dāvudi): نوازنده مشهور سازهای کوبه ای در بلوچستان.

داودی، شیخ حسین (Šeyx Hoseyn Dāvudi): زنده یاد حسین داودی، از تعزیه خوان های بزرگ کرمانشاه که به تمام گوشه ها و مقامات موسیقی ایران تسلط کافی داشت. از این هنرمند چند صفحه وجود دارد. سال های فعالیت این هنرمند پیش و پس از ۱۳۳۰ بوده است.

داودی، علی (Ali Dāvudi): نوازنده زبردست ویلن و همدوره با علی محمد خادم میثاق و حسین علی وزیری تبار.

داور، علی (Ali Dāvar): علی داور معروف به درویش، مثنوی خوان مشهور رادیو که همراه با فلوت؛ خسروانی و نی؛ نیستانی برنامه اجرا می کرد. علی داور از صدای گرم و گیرائی بهره مند است و به ردیف های موسیقی ایران آگاهی کامل دارد.

داور منش، سکینه [Sakine Dávar-maneš] : از فارغ التحصیلان دوره عالی، هنر کده موسیقی ملی در رشته سنتور، دوره سوم، سال ۱۳۵۷.

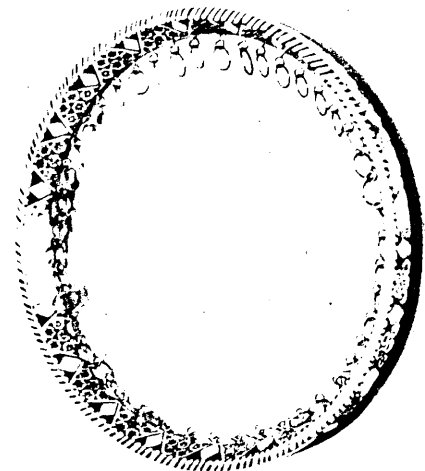
داوری، جمشید [Jamšid Dávári] : نوازنده زیردست تنبک در گروه موسیقی حافظ. لطفاً به گروه موسیقی حافظ نگاه کنید.

داوری، جواد [Javád Dávári] : نوازنده چیره دست سنتور و از همکاران نزدیک مهدی گل محمدی نوازنده زیردست تار.

داوری، محمد جواد [Mohammad Javád Dávári] : از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در رشته آهنگسازی، دوره اول، سال ۱۳۵۵.

داویدف، شرکت [Šerkate Dávidof] : شرکت صفحه پر کنی در تفلیس که آثار درویش خان، باقر خان، طاهرزاده، اقبال السلطان و عبدالله دوامی را در ۱۹۱۴ میلادی ضبط کرده و به ایران فرستاد.

دایره [Dâyere] : سازی است از خانواده آلات کوبه ای که به آن دف هم گویند. کهن ترین نقشی که از این ساز در دست است، نقشی است که از خرابه های آشور بدست آمده است. دایره، در تلفظ عامیانه داریه گفته می شود. دایره از سه قسمت تشکیل شده است:



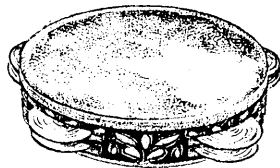
- ۱ قاب یا دور یا چنبر که جنس آن از چوب، نی یا فلز است.
- ۲ پوست (معمولاً پوست بز، گوسفند و یا آهو).
- ۳ حلقه ها یا پولک ها یا زنگوله های جدار داخلی قاب.

دایره اصفهان [Dâyere Esfehân] : از دوایر قدیم موسیقی که امروزه بنام گام اصفهان مشهور است.

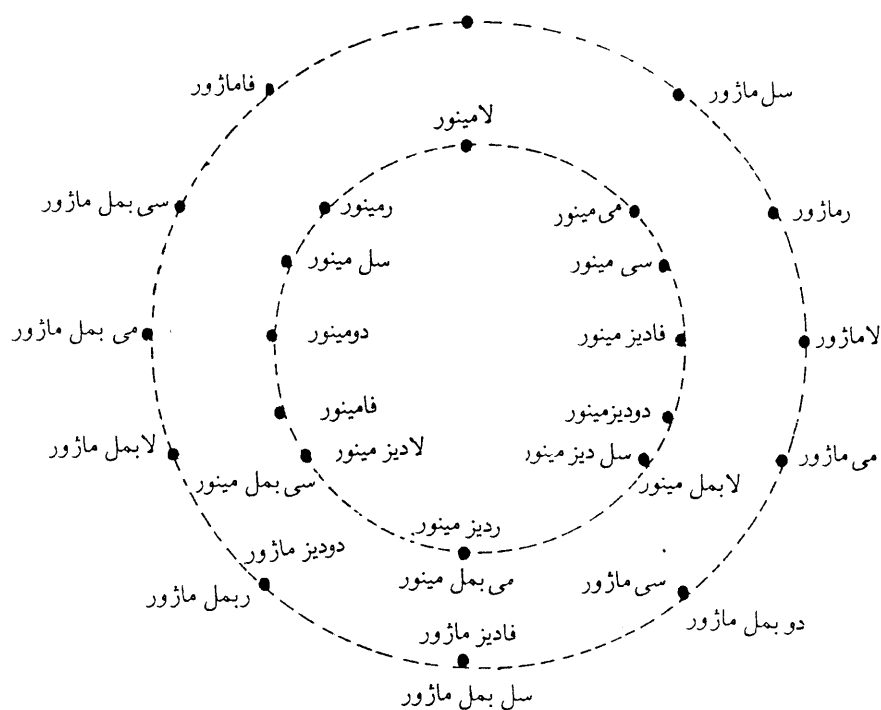
دایره بوسلیک (Dâyereye Busalîk) : از دواير موسيقي قديم.

۱- قاب یا دور آن کوچکتر از دایره یا دف بوده.

۳- سوراخی در درون آن وجود دارد که نوازنده انگشت شست دست چپ خود را درون آن می‌کند تا تسلط بیشتری برای نگهداری آن داشته باشد.



دوماڑور

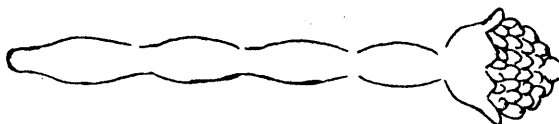


دایره گیلکی (Dāyereye Gilaki) : از آلات موسیقی کوبه ای، دایره ای با پوست ضخیم تر از دایره های معمولی که در گیلان رایج است.

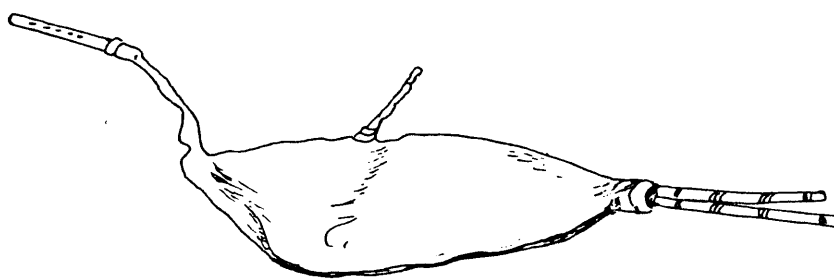
دائی جواد، ناهید (Nāhid Dāwījavad) : خواننده مشهور ترانه "غروب کوهستان - دره خاموش" که سال های پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی در اصفهان فعالیت داشت. در سال ۱۳۴۸ بنا به پیش نهاد رئیس دانشگاه اصفهان، ارکستر موسیقی اصیل ایرانی توسط این هنرمند و با همکاری دکتر ابوالفضل سهیلیان (ویلن)، ابوطالب حسین پور (ضرب)، بیژن مویدی، دکتر حمید فشارکی (سنتور) و حسین فریور (خواننده) تشکیل شد.

دبدبه (Dabdabe) : سازی است کوبه ای شبیه به دهل و طبل.

دبوس (Dabbus) : سازی است از خانواده آلات موسیقی ضربی. دبوس به معنی عمود یا گرز است. ساختمان این ساز تشکیل شده از یک چوبدستی که بدان زنجیر یا زنگوله هائی نصب شده است. طول این ساز ۷۰ سانتیمتر است. در بعضی فرهنگ ها به آن دُبوس [Dobbus] هم می گویند.



دبوقه (Dabuqe) : سازی است بادی شبیه به نای انبان یا ارغنون. در پاره ای از مناطق دبوقه را "سارنای" گویند.



دبیری، رضا (Rezā Dabiri) : نوازنده چیره دست ترومبون در ارکستر سنفونی تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۳۶ خورشیدی.

دبیری، سعید (Sawid Dabiri) : ترانه سرا و آهنگساز قدیمی که کار هنری اش را با نوازندگی گیتار شروع کرد. از اشعار سعید دبیری خوانندگان بسیاری سود برده اند و پس از انقلاب با محدودیت کار ترانه سرایان، سعید دبیری نیز به رکود کشیده شد و چندی است با باز شدن فضای نسبی به فعالیت مجدد پرداخته است. سعید دبیری برای سریال های "مادر" و "امواج جادوئی" تلویزیون ترانه سروده و هم چنین برای خواننده جوانی بنام تاجیک که از او آلبوم "همکلاسی" در دسترس می باشد، و نیز خواننده دیگری بنام امیر چرمگر با آلبوم "طرح پرواز" ترانه سروده است.

دبیری، سید باقر (Seyyed Bāqer Dabiri) : سید باقر دبیری (بیان السلطنه)، نوازنده چیره دست تار و از شاگردان ممتاز میرزا عبدالله است.

دبیری، سید مهدی (Seyyed Mehdi Dabiri) : فرزند محمد خان مستوفی که در سال ۱۲۷۳ خورشیدی بدنیا آمد. او از شاگردان ممتاز منتظم الحکما، میرزا عبدالله و موسی معروفی است. سید مهدی دبیری استاد و نوازنده سه تار و تار می باشد.

دپ (Dap) : سازی است کوبه ای که آن را دف یا دایره خوانند. دف را در شوشتر دپ گویند.

دپگال (Dapgāl) : یکی از سه شیوه اجرائی در آوازهای شثر در بلوچستان. در این شیوه خواننده با زبان و حالت رستیتایف به بیان داستان می پردازد. در این مرحله، شائر تمبورک نمی زند ولی گفتار او با ساز های دیگر همراهی می شود.

دپلک (Daplak) : سازی است کوبه ای که آن را طبلک یا طبل کوچک هم گویند.

دِتارچی، عبدالله (Abdollah Detārci) : زنده یاد دِتارچی از نوازندگان مشهور قوم گُدار در مازندران بوده است که تاثیرات مهمی در موسیقی گُدار گذاشته است.

دَدِه بالا، خدیجه (Xadije Dade Bālā) : لطفاً به مهستی نگاه کنید.

دَدِه بالا، معصومه (Mawsume Dade Bālā) : لطفاً به هایده نگاه کنید.

دده قورقود (Dade Qurqud) : کهن ترین اثر نوشته شده در موسیقی آذربایجانی. هم چنین نام یک خنیاگر است که قوپوز در دست، پس از پیروزی قهرمان داستان ها در مجلس حاضر می شود و برایش حماسه یا سویی (Soy) می سراید.

در آبرامیان، رودلف (Rudolf der-Abramyan) : نوازنده چیره دست ویلن در گروه ویلن دوم در ارکستر سمفونی تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۳۶ خورشیدی.

درآمد (Darāmad) : ورود به موسیقی ایرانی. هر یک از دستگاه ها و آوازهای موسیقی ایرانی را درآمد یا درآمدهائی است مخصوص همان دستگاه و یا آواز.

درآمد احمد خانی (Darāmade Ahmad-xāni) : گوشه ای است در آواز دشتی، از ردیف منظم الحکما.

درآمد بنفشه (Darāmade Banafše) : از درآمد های دستگاه ماهور.

درآمد بنفشه (صبا/ دوره اول تار و سه تار/ ۲۸)



درآمد صادق خانی (Darāmad Sādeq-xāni) : گوشه ای است در آواز دشتی از ردیف منظم الحکما، منسوب به محمد صادق خان (سرور الملک) نوازنده زبردست سنتور.

در آنتونیان، جمیک (Jemik der-Āntonyān) : هنر آموز موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

دُرَاب (Dorrāb) : نوعی از اجرا که از حرکت مضرب پدید می آید و در سازهای مضرابی چون تار و سه تار و سنتور بسیار بکار گرفته می شود. دُرَاب موجب زیبایی یک اجراست.



دراّهانیان، آرداشس [Artāses Der-Ohānyān] : موسیقیدان و نوازنده و استاد ویلن و اولین کسی که در تبریز به نواختن ویلن پرداخت.

- درای [Darāy] :** سازی است کوبه ای یا ضربی به اشکال زیر:
- ۱- زنگی بوده درشت جثه که بر پایه ای استوار می شده و بهنگام جنگ با پُتک یا مهره ای بصدا در می آمده. به این شکل از ساز؛ درای هندی نیز می گفته اند.
 - ۲- زنگوله های کوچکی بوده که بصورت گوی می ساختند و در داخل مهره های کوچک می نهادند و تعدادی از آن ها را بر سر چوبی و یا بر نواری استوار میکردند؛ نظیر دبوس، زنجیر، جلاجل و خلخال. البته درای بزمی را همان خلخال و جلاجل میدانند که همراه با بربط و چنگ نواخته می شده.
 - ۳- نوع دیگر آن نظیر جرس به گردن چهارپایان می بندند.

دربندی، ابوالقاسم [Abol-Qāsem Darbandi] : ابوالقاسم دربندی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در دربند شمیران بدنیا آمد. در دوران کودکی نواختن سنتور را نزد پدر آغاز کرد. او در سن ۱۷ سالگی به هنرستان موسیقی ملی رفت و در ۲۱ سالگی به کلاس زنده یاد رضا ورزنده رفته و ۵ سال نزد این هنرمند مشق سنتور گرفت. ابوالقاسم دربندی در سال ۱۳۳۰ به رادیو راه یافت. دربندی در هفتم فروردین ۱۳۶۶ چشم از جهان فرو بست.

دربندی، رامین [Rāmin Darbandi] : نوازنده چیره دست کمانچه در لرستان. رامین دربندی ساکن خرم آباد است. از کارهای او می توان به آلبوم "سوته دل" اشاره داشت.

دربوکه [Darabuke] : سازی است کوبه ای از رده ضرب یا تنبک. ساختمان این ساز از یک استوانه شبیه به گلدان تشکیل شده که بر دهانه آن پوست کشیده اند. آن قسمت که باریکتر است، حکم نفیر یا خیمه ساز را دارد. جنس دربوکه از چوب است و درازای آن ۴۰ سانتیمتر است.

درجات گام (Darajate Gam) : گام در موسیقی قدیم ایران از ۱۸ نت و ۱۹ فاصله تشکیل می شد و هر کدام اسمی داشتند که از برخی از آن ها امروز استفاده می شود.

درجات گام در موسیقی بین المللی امروز از هفت نت پی در پی که هر یک را درجه آن گام خوانند تشکیل شده است.

جدول درجات گام:

درجات گام

درجه	فارسی	فرانسه	انگلیسی	آلمانی	ایتالیایی
I. یکم	بایه	Tonique	Tonic	Tonic (a)/ 1. Stufe	Tonica
II. دوم	روپایه	Sus-tonique	Supertonic	2. Stufe	Sopra Tonica
III. سوم	میانی	Mediant	Mediant	3. Stufe	Mediante
IV. چهارم	زیرنمایان	Sous-dominante	Subdominant	4 Stufe	Sotto dominante
V. پنجم	نمایان	Dominante	Dominant	5. Stufe	Dominante
VI. ششم	رونمایان	Sus-dominante	Super-mediante	6 Stufe	Sopra dominante
VII. هفتم	محسوس	Sensible	Leading-note	Leitton/ 7. Stufe	Sensible
VIII. هشتم	هنگام	Octave	Octave	Oktav/ 8. Stufe	Ottava

درجات گام در موسیقی قدیم ایران عبارتند از:

- ۱ یگاه برابر **do**
- ۲ نیم بیاتی برابر **re** بمل
- ۳ نیم حصار برابر **re** کرن
- ۴ عشبران برابر **re** بکار
- ۵ نیم عجم برابر **mi** بمل
- ۶ عراق برابر **mi** کرن
- ۷ نیم ماهور برابر **mi** بکار
- ۸ راست برابر **fa**
- ۹ زنگوله برابر **sol** بمل
- ۱۰ راهوی برابر **sol** کرن
- ۱۱ دوگاه برابر **sol** بکار

۱۲	نهاوند	برابر	la	بمل
۱۳	سه گاه	برابر	la	کرن
۱۴	بوسلیک	برابر	la	بکار
۱۵	چهارگاه	برابر	si	بمل
۱۶	صبا	برابر	si	بکار
۱۷	غزال	برابر	si	کرن
۱۸	نوا	برابر	do	

درجه (Daraje) : اصطلاحی در فاصله شماری نت های گام.

درخشان، انوشه (Anuşe Deraxşân) : آهنگسازی که از او موسیقی متن فیلم "پیراک" ساخته کوپال مشکوه، با شرکت جمشید مشایخی و عنایت بخشی در سال ۱۳۶۳ قابل ذکر است.

درخشان، سید حسن (Seyyed Hasan Deraxşân) : سید حسن درخشان در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان نصیر زاده پایان برد و سپس به مدرسه تلویزیون و سینما تهران رفت و در آنجا دوره های فشرده تخصصی فرستنده و صداگذاری را به پایان رسانید. او در سال ۱۳۵۱ به استخدام سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در آمد.

درخشان، علی (Ali Deraxşân) : از آهنگسازان مشهور شیراز. از نمونه کارهای او می توان به آلبوم "گلآبتون" اشاره کرد. این آهنگساز برخی آهنگ های حسین واثقی را نت نویسی کرده است.

درخشانی، مجید (Majid Deraxşâni) : نوازنده چیره دست تار و سه تار و از همکاران نزدیک مرتضی اعیان و حمید متبسم.

دردشتی، یونا (یونس) (Yuna Dardašti) : خواننده مشهور قدیمی که در اجرای ردیف های موسیقی ایران تسلط کافی دارد. سال های فعالیت این خواننده پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی بوده است. (یونا در زبان عبری معنی کبوتر را می دهد).

یونس دردشتی در سال ۱۲۸۸ خورشیدی بدنیا آمد. او بعد ها به محضر زنده یاد استاد مرتضی نی داود رفت و نزد او بفراگیری علم موسیقی پرداخت. نخستین دستگاہی را که نزد ایشان آموخت "دشتی" بود و در اولین

کنسرت خود در گراند هتل به همراه یحیی خان زرین پنجه شرکت و موفقیت زیادی کسب نمود. پس از این کنسرت به رادیو راه یافت و به او بلبل رادیو لقب دادند.

دردشتی، فرید (Farid Dardašti) : خواننده و آهنگساز صاحب سبک ساکن لس آنجلس که آلبوم "یادت می‌آد" او که اشعارش را ترانه سرای معروف؛ بیژن سمندر سروده در دست می باشد.

دُردی عیدی، قربان (Qorbân Dordi Eydi) : زنده یاد دُردی عیدی، نی نواز برجسته ترکمن صحرا، و از شاگردان او می توان به جمعه گلدی قربانی اشاره داشت.

دُر زاده، دوست محمد (Dust Mohammad Dorrzâde) : زنده یاد دُر زاده، خلیفه معروف نیک شهر بلوچستان و از مالِد زنهای مشهور نواحی جنوبی بلوچستان بود.

درست (Dorost) : فواصل چهارم، پنجم و هشتم گام را درست نامند. مثلاً از **do** تا **fa** چهارم درست و از **do** تا **sol** پنجم درست است.

درشکه چی رشتی، حسین (Hoseyn Doroškeciye Rašti) : از خوانندگان سرشناس دوره قاجاریه و همدوره با جناب قزوینی و آقا جان ساوه ای.

درغم (Dar qam) : یکی از الحان موسیقی قدیم ایران و نام نغمه ای می باشد. این لحن بر خلاف اسمش، غم از دل شنونده بیرون برده و او را شاد می کند.

دُرکُر (Dorokkor) : از آلات موسیقی کوبه ای در موسیقی بلوچستان. طبل استوانه ای شکلی است که یک انتهای آن دارای وسعت بیشتری نسبت به انتهای دیگر آنست، و هر دو سطح قاعده ساز پوست دارد.

درگاهی، امیر ارسلان (Amir Arsalân Dargâhi) : زنده یاد امیر ارسلان درگاهی استاد و نوازنده چیره دست سه تار و تار که در سال ۱۲۸۱ خورشیدی بدنیا آمد. او از شاگردان ممتاز درویش خان بود.

زنده یاد استاد درگاهی همکاری نزدیکی با خوانندگان بزرگ ایران؛ قمر الملوک وزیری و تاج اصفهانی داشت.

استاد درگاهی از کودکی نزد خود سه تار می زد و به کلاس کمال الملک رفته و نقاشی می کرد. در ۱۵ سالگی به کلاس موسیقی درویش خان رفت. او مدتی نیز تحت تعلیم مرتضی خان نی داود بود.

درگذشتگان شعر و ادب و موسیقی در بیست و دو سال گذشته (۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ خورشیدی)
: [Dargozaštégāne Šewr va Adab va Musiwi dar bist-o-do sāle gozašte]
< 1358 ta 1380 xoršidi >

اجلالی، آبتین

احمدی، تاجی

اخوان ثابت، مهدی

ادب، احمد

استوار، حسین

اسدی، علی

اسماعیلی، حیدر

افتاده، حسین

افتتاح، امیر ناصر

البرز، ولی اله

الفت، عبدالله

امیری فیروز کوهی

انجوی شیرازی

اوستا، مهرداد

اونیک

بدیع زاده، جواد

بدیعی، حبیب اله

برکشلی، مهدی

بنان، غلامحسین

بنیاد، شاپور

بوذری، ابراهیم

بهار، علی اصغر

بیداریان، امیر

پوران

پیشکاری، خسرو
 تاج اصفهانی
 توکل، عبدالله
 توللی، فریدون
 جاوید، صفر علی
 جلالی، بیژن
 جهان بگلو، منوچهر
 جهان پناه، عبدالله
 حاتمی، شاپور
 حالت، ابوالقاسم
 حنانه، شهین
 حنانه، مرتضی
 خالدی، مهدی
 خضرائی، اورنگ
 خطیبی، پرویز
 خواجه نوری، علیرضا (نوازنده پیانو)
 خوانساری، ادیب
 داریوش، پرویز
 دفتری، حسن علی
 دوامی، عبدالله
 دیبا، اسماعیل
 ذکا، یحیی
 راوندی، مرتضی
 رحمانی، نصرت
 رضوی سروستانی
 رعدی آذرخشی، غلامعلی
 روح بخش، عزت - رهی معیری
 زاهد، عطا اله
 زرین کوب، عبدالحسین
 زندوکیل

زهری، محمود
 ساعدی، غلامحسین
 ستوده، ابراهیم
 سرخوش، ابراهیم
 سرشار، حسین
 سعدی حسنی
 سلیمی تبار، حسین
 سهیلی، مهدی
 سعیدی، نیر
 شاملو، احمد
 شاه زیدی، حسین
 شهریار، اسداله
 شهنازی، علی اکبر
 صارمی، منصور
 صفا، ذبیح اله
 صهبا، ابراهیم
 ضرابی، ملوک
 طاهباز، سیروس
 عبادی، احمد
 عطاری، حاج علی اصغر
 فرخ زاد، فریدون
 فرزین
 فلاح امیری، رجب علی
 فرنام، حاج محمود
 فروتن، یوسف - فریدون فروغی
 فرهنگ فر، ناصر
 قوامی، حسین (فاخته ای)
 کامکار، حسن
 کریمی، محمود
 کسرائی، سیاوش

کسری، لیلی

کلکی، بیژن

گلشن زاد، رضا

گلشیری، هوشنگ

گلنراقی، حسن

گیتی

مازیار

محمودی خوانساری، محمود

مشیری، فریدون

مصدق، حمید

مصطفی زاده، مصطفی

معروفی، جواد

ملاح، حسین علی

ملک، حسین

منصوری، رویک

موید ثابتی

مهرپویا، عباس

مهرتاش، اسماعیل

نادرپور، نادر

نیاکان، شاپور

نی داود، سلیمان

نی داود، مرتضی

نیرسینا، هدایت اله

وحید، هرمز

ورزی، ابوالحسن

وزیری، عبدالعلی

وزیری، علی نقی

هایده

هرمزی، سعید

یگانه، بهادر

درگزری، هی محمد (Hey Mohammad Dargazi) : از شعرای مشهور در شمال خراسان.

درماردیروسیان، گرگین (Gorgin der-Mártirosyán) : هنرآموز موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران. این هنرمند در سال های پیش و پس از ۱۳۳۶ خورشیدی ناظم ارکستر سنفونی تهران بود.

درودیان، منیره (Maniže Drudyán) : خواننده ای با صدائی نظیر خانم دلکش که در اروپا فعالیت دارد. در سال ۱۹۹۸، زمانی که خانم دلکش در شهرهای مختلف اروپا نظیر: فرانکفورت، لندن و کُلن کنسرت داشتند ایشان با خانم دلکش می خواندند.

درویش جاویدان (Darviš Jávidán) : خواننده مشهور و صاحب سبک پیش از انقلاب که از او ترانه هایی مانند: "زندگی"، "کاخ امید"، "لیلی زمانه"، "مهربونی"، "میخانه"، "باباکوهی"، "یادگاری"، "خونه سرده" و "کلبه" قابل ذکر است.

درویش، حسن (Hasan Darviš) : قدیمی ترین خواننده ای که در آواز به مقام استادی رسیده است. گوشه حاج حسنی در آواز اصفهان منسوب به اوست.

درویش خان، غلامحسین (Qolámhoseyn Darviš-Xán) : استاد غلامحسین درویش معروف به درویش خان در سال ۱۲۵۱ خورشیدی بدنیا آمد. او از شاگردان ممتاز آقا حسین قلی بود که بعد ها به مقام استادی رسید. درویش خان مبتکر فرم پیش درآمد به سبک امروز است. چه پیش درآمد، قبل از درویش خان، قطعه مستقلی نبوده و جزعی از ردیف بشمار میرفت. از درویش خان صفحاتی بجا مانده است.

درویش خان وقتی کوچک بود جزء دسته مخصوص عزیز السلطان و ملیجک بود. در آن زمان او طبل میزد. درویش خان پس از مدرسه دارالفنون به شاگردی زنده یاد؛ آقا حسین قلی پذیرفته شد. این هنرمند گرانقدر به تار آقا حسین قلی، سیم ششم را اضافه کرد. درویش خان دو بار به خارج سفر کرد، یکبار برای پر کردن صفحه به لندن و بار دیگر به تفلیس رفت.

درویش خان رنگ ها و پیش درآمدهای بسیاری ساخت که به برخی از آن ها اشاره می شود: پیش درآمد ماهور، ۲ پیش درآمد در ابو عطاء، پیش درآمد در سه گاه، پیش درآمد شوشتری، پیش درآمد افشاری و پیش درآمد راک.

رنگ هایی که او ساخت عبارتند از: ۲ قطعه رنگ در ماهور، رنگ ابو عطاء، رنگ سه گاه، رنگ شوشتری،

رنگ همایون و رنگ افشاری در سه قسمت.

درویش خان در چهارشنبه دوم آذر ماه ۱۳۰۵ بر اثر تصادف جان سپرد و در گورستان ظهیرالدوله دربند، بخاک سپرده شد.

درویش، عاشیق [Āšiq Darviš] : زنده یاد درویش از عاشیق های مشهور آذربایجان غربی و از شاگردان عاشیق فرهاد سلیمی است.

درویش عبد علی، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musiqiye Darviš Abd Ali] : از دستگاه های موسیقی اهل حق که دستگاهی است کامل با ساختار محکم که در دو قسمت اجرا می شود.

درویش، مدرسه موسیقی [Madreseye Musiqiye Darviš] : واقع در خیابان علاءالدوله (فردوسی) به سرپرستی استاد مرتضی نی داود.

درویشیان، سبزلعلی [Sabz-Ali Darvišyān] : خواننده مشهور کرد که از ۱۰ سالگی آواز می خواند. این خواننده، شیوه های حماسی را در خواندنش حفظ کرده. تبحر او در شاهنامه خوانی فوق العاده است. سبزلعلی درویشیان در کنار خوانندگی به نساجی می پردازد.

درویشی، محمد رضا [Mohammad Rezā Darviš] : آهنگساز و پژوهشگر موسیقی فولکلوریک ایران و نویسنده کتاب آینه و آواز.

محمد رضا درویشی در سال ۱۳۳۴ در شیراز بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۲ به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۵۵ در رشته آهنگسازی لیسانس خو را دریافت کرد. او از سال ۱۳۵۸ در همین دانشکده به تدریس پرداخت. او از بانیان کانون موسیقی چنگ تهران است. او تألیفات بسیاری در مورد موسیقی دارد.

دَره [Darre] : پوست نازک (شکنه) که بر روی دُهل و طبل و تار و امثال آن می کشند.

درهاکوپیان، زاون [Zāven der-Hākopyān] : متصدی دایره تشریفات در هنرستان عالی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی.

دره التاج، کتاب [Ketābe Dorratol-Tāj] : کتابی در خصوص موسیقی و ریاضیات که توسط قطب الدین شیرازی نوشته شده است. (۶۳۴ - ۷۱۰ هجری قمری).

درهوانسیان، آرداشس [Ārtāšes der-Hovānesyān] : موسیقیدان، نوازنده چیره دست ویلن، معلم و کارمند بانک انگلیس در تبریز. در سال های ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۵ میلادی در شهر تبریز دو مدرسه وجود داشت که نام آن ها عبارت بودند از: هاگازیان - تاماریان و آرامیان. در این مدارس، علاوه بر تدریس زبان فارسی و ارمنی، زبان انگلیسی و موسیقی نیز درس داده می شد. از معلمین آن مدارس که تحصیل کرده های انگلیس بودند بغیر از آرداشس درهوانسیان، می توان به آرشاک مهربان و هایت خاچاطوریان اشاره داشت. این سه تن علاوه بر تدریس زبان و موسیقی، دسته کُرهای به همراه ارکسترهای کوچک در تبریز بوجود آوردند. آرداشس درهوانسیان اولین کسی بوده است که در تبریز ارکستر موسیقی مجلسی را با نوازندگان ویلن ترتیب می دهد. در سال ۱۸۸۰ میلادی به همت این موسیقیدان بزرگ کلاب موسیقی آبرومندی در تبریز دایر می شود.

دریاییگی، علی [Ali Daryābeygi] : همکار نزدیک استاد اسماعیل مهرتاش که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی جمعیت بارید را تشکیل دادند. علاوه بر دریاییگی، محسن سهیلی، فضل اله بایگان، نور محمد میر عمادی و عده ای موسیقیدان از اعضای این جمعیت بودند. آن ها نمایشنامه هائی توأم با موسیقی از جمله "لیلی و مجنون"، "خسرو شیرین" و "خاقان می رقصد" به روی صحنه آوردند که در آن ها؛ ملوک ضربابی می خواند.

دزفولی [Dezfuli] : گوشه ای است در دستگاه همایون.



دژبدی، مهدی [Mehdi Dezbodi] : از صدایرداران و صداگذاران فعال تهران.

دست ابرنجن [Dast Abranjan] : سازی است ضربی از رده خلخال یا جلاجل، لطفاً به جلاجل نگاه کنید.

دستان (Dastân) : به پرده هائی اطلاق می شود که بر دسته سازهای رشته ای مقید مانند بریط، تنبور و سه تار، بسته می شود. از آن جا که هر مقام یا آهنگ و سرودی از داستانی یا پرده ای آغاز می شود، آن داستان یا آن پرده به نام آن مقام نامیده می شود، مانند: دستان داد آفرید یا پرده عشاق.

دستان عرب (Dastâne Arab) : به آواز ابوعطا اطلاق می شود.

دستان، گروه موسیقی (Gruhe Musiqiye Dastân) : این گروه با سرپرستی آهنگساز برجسته ایرانی، حمید متبسم، اداره می شود و خواننده آن ایرج بسطامی است.

دستان نشانی (Dasdtân Nešâni) : پرده بندی ساز را در موسیقی قدیم می گفته اند.

دستک زن (Dastak-zan) : مطرب، سرودگر و خواننده را گویند.

دستگاه (Dastgâh) : در لغت به معنی مجموع اجزائی که یک کل را تشکیل می دهد، و به معنی یک مقام کامل موسیقی، که شامل گوشه هاست اطلاق می شود. دستگاه را دستگاه هم می گویند. دستگاه مشخص کننده هر یک از هفت مقام اصلی موسیقی ایرانی یعنی: شور، سه گاه، چهارگاه، همایون، ماهور، نوا و راست پنجگاه می باشد. استاد علی نقی وزیری عقیده دارد؛ شرط دستگاه بودن آن است که از لحاظ گام دارای چهارم و پنجم درست بوده و فواصل بین درجات یک دستگاه شباهت به دستگاه دیگری نداشته باشد. ایشان عقیده دارند که موسیقی ایران شامل ۵ دستگاه؛ سه گاه، چهارگاه، شور، نوا و ماهور است، زیرا شور بانوا و ماهور با راست پنجگاه بعلت شباهت در گام و اشتراک گوشه ها یکی است. دستگاه در موسیقی امروز، جایگاهی چون مقام در موسیقی گذشته دارد.

دستگردی، وحید (Vahid Dastgerdi) : زنده یاد وحید دستگردی از شعرای مشهور معاصر و همدوره با استاد موسی معروفی و استاد علی اکبر خان شهنازی است که در خیابان ایران (عین الدوله) تهران می زیست. این شاعر همکاری نزدیکی با خانم قمرالملوک وزیری داشت. وحید دستگردی مدت ها مدیر مجله ماهانه ارمغان بود.

ترانه "موسم گُل" این شاعر بوسیله قمرالملوک وزیری، دلکش، ملوک ضربابی، هنگامه اخوان و ایرج بسطامی خوانده شده است. اجرای این ترانه توسط قمرالملوک وزیری در صفحه ای از کمپانی پولیفون وجود دارد.

دسته موزیک سازهای بادی [Daste ye Muzik Sázhâye Bâdi] : به سرپرستی حسن رادمرد. علی محمد خادم میثاق در سال های ۱۳۱۸ و پس از آن.

دسته موزیک قشون دولت علیه ایران [Daste ye Muzik Qoşune Doulate Aleyhe Iran] : از کارهای این دسته موزیک که در عهد قاجاریه فعالیت داشت، صفحاتی از طرف کمپانی هیز مسترز ویس **His Masters Voice** تهیه شده و وجود دارد.

دسته موزیک کریم کور [Daste ye Muzik Karime Kur] : گروه موسیقی فعال در عهد قاجاریه که از کارهای این دسته موزیک، صفحه ۲۵ سانتیمتری به شماره ۱۰۳۶۰ وجود دارد.

دسته موزیک ملیجک [Daste ye Muzik Melijak] : گروه موسیقی فعال در عهد قاجاریه که برای مدتی استاد غلامحسین درویش در آن فعالیت داشت.

دسته موزیک مومن کور [Daste ye Muzike Momene Kur] : از دسته مطرب های عهد قاجاریه.

دسته موزیک ناحیه یک اصفهان [Daste ye Muzik Nâhye Yek Esfehân] : دسته موزیک ملی در قالب موزیک نظام که به همت و با هزینه زرافشان در اصفهان تاسیس شده بود. سال های فعالیت این ارکستر پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی بود.

دسته موزیک نایب السلطنه [Daste ye Muzike Nâye b-ol-Saltane] : از گروه های موسیقی در عهد قاجاریه. از این گروه صفحه ای ۲۵ سانتیمتری در مایه افشاری وجود دارد.

دسته موزیک نایب رجب [Daste ye Muzik Nâye b Rajab] : از گروه های موسیقی عهد قاجاریه که اجرای تصنیف اصفهان آن بر روی صفحه ۲۵ سانتیمتری ضبط و وجود دارد.

دسته موزیک هنردوستان [Daste ye Mizike Honardustân] : گروه موسیقی فعال در سال های ۱۳۲۴ خورشیدی که در تهران فعالیت داشت.

دستینه (Dastine) : رشته ابریشم و زه که بر دسته سازهای زهی می بندند.

دشتستانی (Daštastāni) : گوشه ای است در آواز دشتی. این گوشه از ایام بسیار دور در منطقه فارس بر زبان ها جاری بوده است. دشتستانی مانند بسیاری از گوشه های محلی فارس با دوبیتی خوانده می شود.



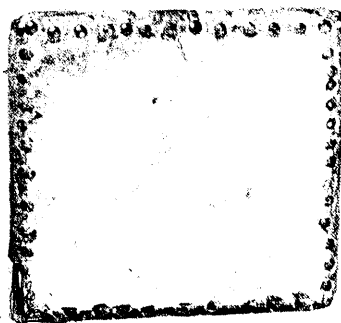
دشتی (Dašti) : آوازی است از درجه پنجم در گام شور.



دشن، عیسی (Wisá Dašan) : از عاشیق های معروف آذربایجان شرقی و همدوره با عاشیق حاج علی عبادیان و عاشیق قشم.

دف (Daf) : لطفاً به دایره نگاه کنید.

دف دو رویه یا دف چهار گوش (Dafe do ruye yā dafe cahārguś) : سازی است کوبه ای از خانواده دف که اختلاف آن با دف این است که زنگوله ها یا حلقه های دف چهار گوشه خارج از قاب آن قرار دارد، در حالی که در دایره داخل قاب قرار دارند. دف چهار گوشه دارای دو پوست است.



دفتری، حسن علی (Hasan Ali Daftari): نوازنده مشهور سه تار که نامش در کنار استاد سعید هرمزی، استاد احمد عبادی و جلال ذوالفنون می آید. نام این هنرمند در بعضی از کتاب ها و مقالات؛ حسین علی یا حسین قلی نوشته اند که صحیح نیست.

استاد حسن علی دفتری در سال ۱۲۸۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. اولین معلم او شخصی بود بنام؛ شاه جانی که تار بسیار زیبا می نواخت. بعد ها استاد دفتری بمدت ۱۲ سال به فراگیری و نواختن ویلن پرداخت و در این زمان از محضر باقر خان اسماعیل زاده، رکن الدین مختاری و زمانی که نزد استاد صبا می رود، بخاطر این که نت خوانی بلد نبود، استاد او را نمی پذیرد. او به نزد سروان یغما و حسین خان هنگ آفرین می رود و نت خوانی می آموزد و آن زمان نزد استاد صبا باز می گردد و ۵ سال از کلاس درس ایشان فیض می برد.

حسن علی دفتری در ۳۰ دی ماه ۱۳۶۵ بعثت سگته مغزی چشم از جهان فرو بست. مقبره این هنرمند گرانقدر در امامزاده طاهر کرج است.

دفتری، سرهنگ (Sarhang Daftari): از شاگردان ممتاز استاد ابوالحسن صبا. سرهنگ دفتری استاد ویلن و سه تار، در سال های ۱۳۲۵ خورشیدی و پس از آن مدت ها با رادیو سنندج همکاری مستمر داشتند.

دفتری، شهاب (Šahāb Daftari): از شاگردان آقا حسین قلی و نوازنده چیره دست تار.

دقیق، منصور (Mansur Daqiq): منصور دقیق در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در ۱۰ سالگی شروع به زدن نی نمود. از ۱۲ سالگی فلوت زدن را آغاز کرد و پس از آن به سنتور روی آورد و در ۱۵ سالگی به فراگیری و نواختن ویلن پرداخت. منصور دقیق، استاد سازنده قانون، عود و مدرس، نی، فلوت، سنتور، قانون، عود، سه تار، تار و ویلن می باشد.

دقیقی (Daqiqi): استاد ابو منصور محمد ابن احمد دقیقی از شعرای عهد سامانی و دومین شاعری است که به نظم شاهنامه پرداخته است.

سال ولادت این شاعر گرانقدر نیمه اول سده چهارم بوده است (حدود ۳۳۰ هجری). این شاعر اعتقادات زرتشتی داشت و در جوانی بقتل رسید. واقعه قتل دقیقی بدست یک غلام در سال ۳۷۱ - ۳۷۰ هجری اتفاق افتاد. این شاعر همدوره با منصور ابن نوح سامانی و امیر فخرالدوله از آل محتاج، امیر چغانیان، ابونصر و امیر ابو سعد مظفر بوده است.

دُگمه (Dogme) : اصطلاحی در ساز شناسی آلات بادی غربی، محلی که انگشت نوازنده برای استخراج صوت بر آن گذاشته می شود.

دل آرام (Delâram) : خواننده ای که پس از انقلاب در غربت رشد کرد. دل آرام از کودکی به خواندن علاقه داشته و در ۱۸ سالگی به آمریکا می آید، و این هنر را بطور جدی دنبال می کند. از آلبوم های این خواننده می توان به : "غریبه" و "تنها تو" اشاره داشت.

دل آرام (Delâram) : نام سازی است زهی که توسط استاد رضا ژاله ساخته شده است.

دل آوا (Del Âvâ) : گروه موسیقی به سرپرستی مجتبی خوش ضمیر که به اجرای آهنگ های اصیل ایرانی می پردازند. اعضای این گروه عبارتند از: مجتبی خوش ضمیر (کمانچه)، حامد جعفر نژاد (سه تار)، ضیاء طبسیان (تنبک)، سلماز برزگر (سه تار)، علیرضا بخردی (سنتور)، بهروز رامش (ویلن)، حمید ابراهیمی (ویلن). در برخی از اجرا های این گروه، خواننده توانای ایران، عبدالحسین مختاباد شرکت دارد.

دل آواز، شرکت [Šerkate Del-Âvâz] : شرکت تولید، تکثیر و پخش نوار کاست و CD موسیقی ایران در تهران که در لس آنجلس نیز نمایندگی پخش دارد.

دل آویز (Delâviz) : لحنی در دستگاه نوا. این لحن از تنبک نوای سل [Sol] آغاز شده و به فرود نوا پیوسته است.



دلارامجو، نصراله [Nasr-ollāh Delārāmju] : نوازنده زیر دست تار و همدوره با اکبر جدیکار، قاسم غراب و اکبر فروردین.

دل انگیزان [Delangizān] : نام لحنی است در موسیقی عهد ساسانیان.

دلبر [Delbar] : خواننده مشهور زن در دوران ناصری. آموزش این خواننده با دستور مستقیم شخص ناصرالدین شاه بوده است.

دل پاک، محمد رضا [Mohammad Rezā Delpāk] : از صدابرداران و صداگذاران فعال در تهران.

دل پسند [Delpasand] : از خوانندگان معروف زن در دوران ناصری.

دلجوئی فرد، احمد [Ahmad Deljuwi-fard] : از صدابرداران و صداگذاران با تجربه که در تهلان فعالیت دارد.

دلربا [Delrobā] : سازی است رشته ای مقید از رده ریاب که به گونه ای از آن سارنگی هم گویند. دلربا سازی است شبیه سه تار ولی کوچکتر از آن که روی کاسه آن پوست کشیده اند. این ساز در بلوچستان رایج است. دلربا، نام سازی است ابتکاری از استاد رضا ژاله، صنعتگر مشهور ایرانی.

دلشاد، ابراهیم [Ebrāhim Delšād] : صاحب مغازه تعمیر و ساخت لوازم آلات موسیقی در خیابان سیروس، جنب حمام کشوری، در سال های پیش از ۱۳۰۰ خورشیدی. ابراهیم دل شاد، ضرب بسیار زیبا می نواخت. فرزندان ابراهیم دلشاد؛ فیض اله، سلیمان، مهدی، نشاط دلشاد، تمامی در میدان بهارستان مغازه داشتند و به خرید و فروش انواع و اقسام سازهای مختلف و هم چنین تعمیر آن ها می پرداختند.

دلشاد، فرهاد (Farhād Delsād): فرهاد دلشاد از خانواده معروف دلشاد در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمد و به موسیقی روی آورده و شغل پدر را دنبال کرد. در کودکی مورد تشویق استاد ابراهیم قنبری قرار گرفت بطوری که کار سه تار سازی را نزد استاد محمد عشقی آغاز کرد. او فن ویلن سازی را نزد استاد ابراهیم قنبری آموخت. فرهاد دلشاد در کنار ساختن سازهای مختلف، به نواختن آن ها نیز آشنائی کامل دارد.

دلشاد، فیض اله (Feyz-ollāh Delsād): فیض اله دلشاد در سال ۱۲۹۲ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش، ابراهیم دلشاد بود (لطفاً به دل شاه، ابراهیم نگاه کنید). زنده یاد فیض اله دلشاد، در سال های اول تاسیس رادیو با خوانندگان معروف آن زمان همکاری می کرد. این هنرمند بیشتر به ساخت و تعمیر سازها اشتغال داشت تا نوازندگی. فیض اله دلشاد در سال ۱۳۶۲ چشم از جهان فرو بست.

دلشادی، شاپور (Šāpur Delsādi): نوازنده چیره دست تار در خراسان. شاپور دلشادی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. از ۱۴ سالگی به فراگرفتن موسیقی پرداخت. در مشهد او با سروان قوامی، برادر استاد حسین قوامی (فاخته) که خوب می خواند و سه تار میزد آشنا شد. او بعدها به کلاس زنده یاد فارابی رفت. شاپور دلشادی از سال ۱۳۳۱ همکاریش را با رادیو مشهد آغاز کرد و ۶۵ آهنگ برای رادیو تلویزیون خراسان ساخت.

دلکش (Delkaš): گوشه ای است در دستگاه ماهور. دلکش از گوشه های مهم و وسیع دستگاه ماهور است. این گوشه در بیات ترک قابلیت اجرایی دارد و بعد از گوشه شکسته در ترک می توان آن را اجرا کرد. اما مرسوم نیست. محدوده این گوشه تا درجه هشتم گام ماهور کشیده می شود.

دلکش



دلکش (عصمت باقر پور پنبه فروش) (Delkaš): خواننده گرانقدر ایران که پس از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی از سوی کمیسیون موسیقی رادیو ایران دعوت به همکاری شد. در آن سال ها دلکش و مهدی خالیدی و علی زاهدی نوازنده چیره دست تنبک، گروه سه نفری تشکیل داده و توفیق های بسیاری نصیبشان شد. دلکش در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ خورشیدی دو سفر به بمبی هند کرد که حاصل آن صفحات

بسیاری بود که به‌مراه آورد. همسفر او در آن زمان مهدی خالیدی، جواد بدیع زاده و استاد علی اکبر پروانه نوازنده تار بودند.

اعضای ارکستری که در سال‌های ۱۳۲۰ و پس از آن با دلکش همکاری داشتند عبارت بودند از: علی زاهدی (ضرب)، فریدون حافظی (تار)، مصطفی کردی (فلوت - پیانو)، قاسم نیک پو (پیانو)، طباطبائی (تار)، مصطفی گرگین زاده (ترومپت)، بزرگ لشگری (ویلن)، جواد لشگری (ویلن)، عنایت عدالت (ویلن)، اصغر فتوره چی (ویلن)، اصغر خالیدی (سنتور)، حمید زاهدی (ویلن)، شاپور حاتمی (تار)، اصغر زارع (ویلن)، باشوکی (ویلن سل)، اصغر امیدی و رحیم امیدی (ویلن)، چنگیز عسکر پور (فلوت) و استاد حسین همدانیان (ضرب).

دلکش را کنل وزیر کشف کرد ولی او با مهدی خالیدی و علی زاهدی مثلث هنری تشکیل داد. دلکش در سال ۱۳۳۰ بنا به دعوت دکتر کوشان، نقش اول فیلم شرمسار را به‌عهده گرفت.

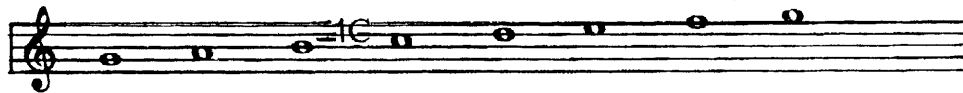
ترانه سرای معروف رحیم معینی کرمانشاهی اولین ترانه ای که سرود "نوی دل" بود که با صدای خانم دلکش اجرا شد. اولین معلم دلکش، هنرمندی بود بنام رجب امیری. لطفاً به امیری، رجب نگاه کنید.

دلکش در سپتامبر و اکتبر ۱۹۹۸ پنج کنسرت در شهرهای کُنن، هامبورگ، فرانکفورت و لندن برگزار کرد.

دلگشا [Delgošā]: از الحان قدیمی در موسیقی مقامی ایران است. دلگشا، نام رنگی است ۶ ضربی در

دستگاه سه گاه.

دل گشا



دلگشا [Delgošā]: نام سازی است ابتکاری از استاد رضا ژاله. این ساز زهی می باشد.

دلنواز [Delnavāz]: گوشه ای است در دستگاه همایون و هم چنین از الحان عهد ساسانیان است.

دل نواز (پایور/۱۲۳)



دلنوازی، محمد [Mohammad Delnavāzi]: نوازنده چیره دست تار و از همکاران نزدیک استاد

فرامرز پایور.

محمد دلنوازی، در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۶ وارد هنرستان موسیقی شد و نزد هنرمند گرانقدر احمد رحمانی پور به فراگیری موسیقی پرداخت. معلم بعدی او، استاد هوشنگ ظریف بود. محمد دلنوازی، مدت سه سال در محضر استاد علی اکبر خان شهنازی به یادگیری ردیف های موسیقی ایرانی پرداخت. ردیف های آوازی را استاد محمود کریمی به ایشان یاد دادند. محمد دلنوازی در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ لیسانس در رشته تخصصی تار گردید. وی بمدت ۱۲ سال در خدمت استاد فرامرز پایور بسیاری از نیاموخته ها را یاد گرفت.

دِلنوازی، مهرداد (Mehrdād Delnavāzi): مهرداد دلنوازی در سال ۱۳۳۸ در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به هنرستان موسیقی ملی رفت و زیر نظر هنرمندانی چون: زنده یاد صالحی و هوشنگ ظریف به فراگیری موسیقی پرداخت. در سال ۱۳۵۸ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی شروع به کار کرد. از مهرداد دلنوازی کاست های "آتش دل"، "صدای زنگ" و "خران عشق" در دسترس می باشد.

دَمال (Damāl): دمال نامی است که بر حرکت های شدید و یکنواخت جسمانی مردان در مراسم گواتی بلوچستان نهاده شده است. دمال کننده را گاهی مستان هم می گویند.

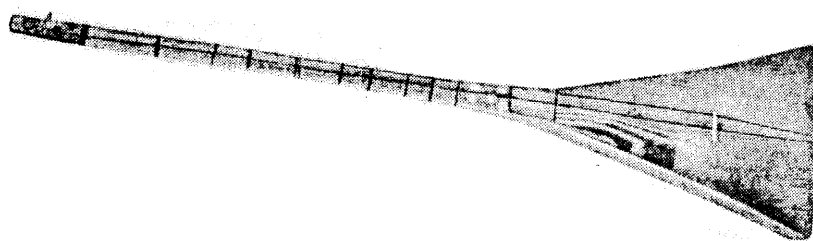
دَمامه یا دَمام (Damāme yā Damām): به دو دسته ساز اطلاق می شود:

۱ - سازی کوبه ای که پوست در آن بکار رفته است

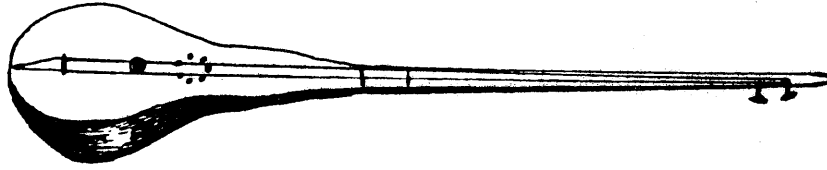
۲ - سازی بادی از رده بوق یا نفیر.

دَماوندی، جناب (Jenāb Damāvandi): لطفاً به جناب دماوندی نگاه کنید.

دُمبرا (Dombrā): سازی است رشته ای که نوعی از آن شبیه به بالالایکا است با این تفاوت که دسته این ساز دراز است. محفظه طنینی این ساز به شکل مثلث بوده و دو رشته سیم دارد. دُمبرا انواع و اقسام گوناگون دارد.



دُمبَره یا دُنبره (Dombare yā Donbare) : سازی است رشته ای مقفید از رده تنبور. این ساز دو سیم داشته و دسته آن پرده بندی شده و کاسه آن گلابی شکل است.



دُمبک، دنبک، دمبلک (Dombak, Donbak, Donbalak) : هر سه نام، ساز واحدی است از خانواده آلات موسیقی کوبه ای که به آن تمبک یا تنبک نیز گویند. لطفاً به تنبک نگاه کنید.

دمبک استوانه ای (Dombake Ostovānei) : نوعی تنبک بسیار قدیمی است که از یک استوانه که یک طرف آن پوست کشیده اند تشکیل شده. نوازنده با تسمه ای این ساز را بگردن انداخته و روی آن می کوبیده است.

دمبک مخروطی (Dombake Maxruti) : شبیه دمبک استوانه ای ولی بدنه آن بشکل مخروطی که قدمت آن به زمان آشوریان می رسد.

دمبول و دیمبو (Dambol-o-dimbo) : نام صوت، از اصطلاحات حاکی از صوت دایره و تنبک. جست و خیز در حالت ضرب گرفتن.

دمرو (Damaru) : طبل یا دهل بسیار قدیمی است. ساختمان آن شبیه ساعت شنی است. ارتفاع آن ۱۰ تا ۱۸ سانتی متر و قطر دهانه های آن ۹ تا ۱۴ سانتیمتر است. به این ساز دمرک هم می گویند.



دنبال (Danbál) : سازی است کوبه ای از خانواده کوس یا نقاره. به سازی از خانواده آلات موسیقی رشته ای مطلق نظیر تیمپانون هم اطلاق می شود.

دناسری (Danāseri) : گوشه ای است در دستگاه همایون. دناسری را دناسری هم گویند.

دناسری



دنباله نت (Donbáleye not) : خط قائمی در انتهای نت های موسیقی.

دنه (Dane) : صدا، آواز، خواندن، سرود، نغمه، نوا. دنه به سازی بنام خم و خمچک یا چگک هم اطلاق می شود. دمه، نام لحنی از موسیقی قدیم ایران هم می باشد.

دنای موسیقی، آموزشگاه (Ámuzesgáhr Donyáye Musiqi) : تعلیم موسیقی و فروش آلات موسیقی در لس آنجلس به مدیریت هنرمند گرانقدر سعید دیهیمی. این آموزشگاه در جنوب کالیفرنیا، دارای سه شعبه می باشد.

دنیوی، محمد (Mohammad Donyavi) : هنرمند و آهنگساز بزرگ مازندران که همزمان با تاسیس تلویزیون ملی ایران همکاری خود را با این سازمان آغاز کرد. پس از تاسیس رادیو ساری او بعنوان یکی از اعضای اصلی این رادیو به زادگاه خود باز گشت. از مهمترین برنامه های استاد محمد دنیوی در رادیو ساری "آشنای دیار مازندران" و "شکوفه های مازندران" است که جنگی است از شعر و موسیقی محلی مازندرانی.

دُو (Do) : نام یکی از نت های موسیقی که در موسیقی غربی نوشته می شود. هفت نت عبارتند از: دُو (do)، ر (re)، می (mi)، فا (fa)، سُل (sol)، لا (la)، سی (si)، که این اسامی در ایتالیا از ابتدای هر بیت از اشعار سرود مذهبی "سن ژان" گرفته شده است. در کشورهای آلمان، آمریکا و انگلستان برای نشان دادن نت موسیقی از حروف الفباء استفاده می کنند به این ترتیب: **C-D-E-F-G-A-B** در این آرایش **A** برابر با نت "لا" می باشد.

دو آهنگ (Do Āhang) : سازی است چوبی که به آن دو نای هم گویند. امروزه این ساز به نام؛ نای مضاعف مشهور است.

دواجی، عباس (Abbās Davāci) : نوازنده چیره دست تار و همدوره با استاد موسی خان معروفی و استاد علی اکبر شهنازی.

دوازده پرده (Davāzdah Parde) : دوازده مقام قدیمی موسیقی را دوازده پرده خوانند. این دوازده مقام عبارتند از: عشاق، نوا، بوسلیک، راست، حسینی، حجازی، راهوی، زنگوله، اصفهان، عراق، زیر افکند و بزرگ.

دوازده چهارم (۱۲/۴) (Davāzdah cahārom) : یکی از تقسیمات میزان است. اگر واحد کشش (اگر واحد گرد فرض شود) بخش بر چهار شده و دوازده قسمت از آن در هر میزان بکار رفته، این کسر معرف میزان ترکیبی چهار ضربی است، یعنی دوازده سیاه در هر میزان.

دوازده شانزدهم (۱۲/۱۶) (Davāzdah šānzdahom) : از تقسیمات میزان در موسیقی است. اگر واحد کشش (اگر واحد گرد فرض شود) بخش بر ۱۶ شده و دوازده قسمت از آن در هر میزان بکار رفته، این کسر معرف میزان ترکیبی چهار ضربی است. یعنی ۱۲ دو لا چنگ در هر میزان.

دوازده صدائی (دوره کافونیک) (Davāzdah Sedāyi) : موسیقی بر مبنای دوره دوازده صوتی که از مکتب شوئنبرگ مشتق شده است.

دوازده هشتم (۱۲/۸) (Davāzdah haštom) : از تقسیمات میزان است یعنی ۱۲ چنگ در هر میزان.

دوال (Davāl) : تسمه چرمی که بر بعضی از آلات کوبه ای چون طبل، دهل و کوس به بندند.

دوال (Devāl) : استاد فرانسوی موسیقی که بنا به دعوت مسیو لومر برای تدریس موزیک به دارالفنون آمد. دوال اولین کسی است که نواختن ویلن را در ایران معمول کرد.

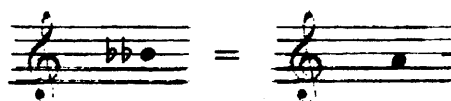
دوامی، عبدالله [Abdollah Davami]: استاد آواز و نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با باقر خان (استاد کمانچه)، طاهرزاده (استاد آواز)، درویش خان (استاد تار) و اقبال آذر (استاد آواز). استاد عبدالله دوامی علاقه بسیاری به حاجی خان ضرب گیر داشت و موسیقی را از او آموخت. استاد عبدالله دوامی، در خواندن تصنیف مهارت بسیار و استعداد خاصی در پروراندن گوشه های آواز داشت. دوامی در سفر دوم درویش به تفلیس، همراه او بود. استاد فرامرز پایور، کتابی تحت عنوان ردیف آوازی و تصنیف های قدیمی به روایت استاد عبدالله دوامی دارند که در آن به متجاوز از ۲۰۰ تصنیف قدیمی اشاره شده است. زمان نوشتن نت های این کتاب ۱۳۳۹ خورشیدی است.

استاد عبدالله دوامی در سال ۱۲۷۰ خورشیدی در "طا" یکی از دهات تفرش بدنیا آمد. بعد ها به تهران آمد و در مدرسه تربیت ثبت نام نمود. او در این مدرسه با رکن الدین خان مختاری همکلاس بود. در کودکی با علی خان نایب السلطنه که از خوانندگان بزرگ آن زمان بود آشنا شده و در حضور او آوازی خواند که مورد قبول علی خان واقع، و پس از آن علی خان، آموزش عبدالله دوامی را قبول کرد. عبدالله دوامی، پس از چندی نزد استاد هائی چون؛ آقا میرزا حسین قلی، حسین خان کمانچه کش، درویش خان، ملک الذاکرین و آقا میرزا عبدالله رفت و از محضر آن ها فیض برد.

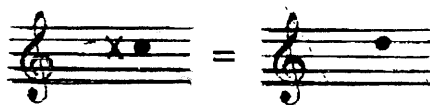
عبدالله دوامی پیش از انقلاب مشروطیت، به همراه اقبال السلطان، باقر خان و مشیر همایون شهردار برای ضبط صفحه به تفلیس و قفقاز رفت. استاد عبدالله دوامی شاگردان بسیاری را تعلیم داده است از آن جمله: شاپور حاتمی، پرویز مشکاتیان و داریوش طلائی. استاد عبدالله دوامی در بیستم دی ماه ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست.

دوایی سبزواری [Davayi Sabzvari]: از شاعران سده نهم که دیوان غزلها و مقطعات و رباعیات او به همراه دیوان هلاکی و ریاضی وجود دارد.

دوبل بمل [Dubel bemol]: بمل مکرر، علامتی است که صداهاى طبیعى را دو نیم پرده کرماتیک پائین می آورد.



دوبل دیز [Dubel dyez] : دریز مکرر. علامتی است که صداها را دو نیم پرده کروماتیک بالا می برد.



دوبیتی [Dobeyti] : گوشه ای است در شور و ابوعطا. در ادبیات به معنی شعری دارای دو بیت یا چهار مصراع که مصراع اول و دوم و چهارم دارای پس وند یکسان باشند. در فرهنگ معین، نام گوشه ای در چهارگاه، شور و سه گاه نیز آمده است.



دوتار [Dotār] : سازی است رشته ای مقید از رده تنبور، که به آن تنبور، چگور و یا عاشق هم گویند. کاسه طنینی این ساز گلابی شکل است و دسته آن بلند و دارای دو سیم است.

دو تا یکی [Do tā yeki] : گوشه ای است سازی که در دستگاه چهارگاه و ماهور آمده است.

دوتیکه [Dotikke] : بخشی از درآمد شور است.

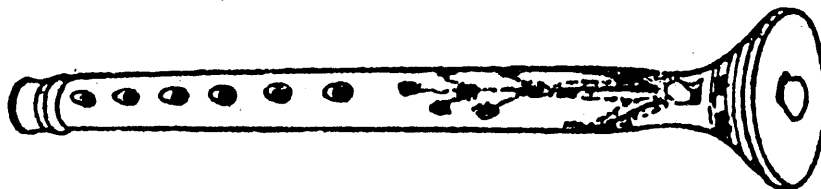


دو چهارم (۲/۴) [Do cahārom] : از تقسیمات میزان است. یعنی دو سفید در هر میزان.



دودک یا دودوک [Dudak yā Duduk] : سازی است بادی که از استوانه ای تشکیل شده و محل دمیدن آن شبیه نای هفت بند است. این ساز، ۶ سوراخ در رو و یک سوراخ در زیر دارد. در آذربایجان بنام

دودک و هم بنام بالامان رایج است.



دو دیز [Do dyez] : با علامت $do\#$. نت do در حالی که نیم پرده کروماتیک به صدای آن افزوده گردیده است. نام دیگر دو دیز re بمُل است.

دور [Dowr] : در موسیقی قدیم به گام اطلاق می شده است.

دورنیک، ژان [Zān Durnig] : ژان دورنیک فرانسوی از شاگردان ممتاز نور علی خان برومند است که ردیف های موسیقی و ۷ دستگاه موسیقی ایران را که توسط نورعلی خان طبقه بندی شده بود نت نویسی کرده و اینک برخی از دانش جویان از آن استفاده می کنند.

دوره های تدریس موسیقی قدیم ایران

[Dourehāye Tadrise Musiqiye Qadime Iran] : استاد های قدیم موسیقی سه دوره برای

تدریس موسیقی اختصاص می دادند.

دوره اول: آموزش کلیات که مخصوص شاگردان تازه کار بود.

دوره دوم: دوره عمومی که به شاگردان پیشرفته اختصاص داشت ولی از ریزه کاری های هنر به آن ها آموزش داده نمی شد.

دوره سوم: دوره پیشرفته که مخصوص شاگردان آزموده شده بود و اسرار هنری را به آن ها یاد می دادند. در قدیم رسم بر آن بود که دوره سوم را تا قبل از ۴۰ سالگی به هنر جو یاد نمیدادند.

دوزان [Duzān] : به کلید کوک آلات موسیقی زهی اطلاق می شود.

دوزله [Duzale] : سازی است بادی که از دو تکه استخوان باریک میان تهی که در کنار هم قرار دارند و هر استخوان دارای ۶ سوراخ است تشکیل یافته. دوزله، سازی است شبانی و بیشتر در روستا های سنندج

رایج است.

دوساز (Dosâz) : از آلات موسیقی در جنوب ایران.

دوست محمد پانی، شمس (Samsi Dust-Mohammad Pâni) : هنر آموز موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

دو ضربی (Do-Zarbi) : قطعه ضربی نشاط انگیز، معمولاً در وزن دو چهارم ساده، بدون آن که حالت مارش پیدا کند.

دو قرسه (Do Qarese) : پس از قتل و عام و کشتار، مردم شمال خراسان، کشته ها را در وسط میدان جمع کرده بر گرد کشته شدگان چرخیده و آهنگ دو قرسه را سر می دهند.

دو گاه (Do-Gâh) : گوشه ای است در آواز بیات ترک و نام پرده ای است در موسیقی قدیم ایران در راست پنجگاه و هم چنین یکی از شعبه های ۲۴ گانه موسیقی قدیم ایران.

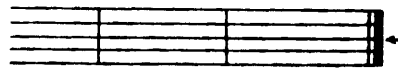
دوگاه و تحریر صبا موسی خان



دولاچنگ (Dolâcang) : یک شانزدهم واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت نت هاست. (اگر واحد گرد فرض شود).

دولاچنگ تنها و یا پیوسته

دولاخط (Dolâxat) : علامتی است از دو خط قائم و موازی که در انتهای یک قطعه موسیقی گذاشته می شود و به معنی پایان است.



دولاخط پایان

دولت آبادی، پروین (Parvin Doulat-Âbâdi) : شاعر معروف معاصر و از نزدیکان قمر الملوک

وزیری در سال های آخر عمر این آوازخوان بزرگ (سال ۱۳۳۸ خورشیدی).

دولت آبادی، فخرالزمان [Faxr-ol-zamān Doulat-Ābādi] : از هنرآموزان هنرستان عالی موسیقی تهران و همدوره با عطاءاله خادم میثاق و احمد فروتن راد.

دولت شاهی، جمال [Jamāl Doulatsāhi] : لطفاً به جمال نگاه کنید.

دولت شاهی، داریوش [Dāryuś Dolatsāhi] : آهنگساز و استاد تدریس هماهنگی و ارکستر در هنرستان عالی موسیقی تهران و آهنگساز ارکستر سمفونی تهران.

دولت شاهی، فتح اله [Fath-ollāh Doulatsāhi] : دکتر فتح اله دولتشاهی، محقق، دانشمند و پژوهشگر نامی ایران که مقالات تحقیقی و پژوهشی بسیاری راجع به موسیقیدان ها و شاعران، نویسندگان و مورخان دارد.

دولتشاهی، منوچهر [Manucehr Doulatsāhi] : مهندس منوچهر دولتشاهی از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

دولگف [Dolgaf] : استاد اسپانیائی تعلیم فلوت در هنرستان ملی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۲۰ خورشیدی که در لاله زار، کوچه خندان قرار داشت. ریاست هنرستان با زنده یاد کلنل علی نقی وزیری بود.

دو مازور [Do Māzor] : گام دو بزرگ، گام نمونه و الگو



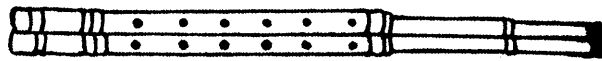
نیم پرده یک پرده یک پرده یک پرده نیم پرده یک پرده یک پرده یک پرده

دو مازور

دو مضراب [Domezrâb] : نواختن نغمه هائی دارای وزن در گوشه های یک دستگاه، یا آوازی که دارای پایه می باشد.



دونای [Do-nây] : سازی است بادی که از دو نی همجوار تشکیل یافته است. این ساز بسیار قدیمی می باشد. فارابی به این ساز دیانی یا دویانی می گوید. در سنگ نبشته های آشور، نقش این ساز مشاهده می شود.



دونلی [Doneli] : از آلات موسیقی بادی در بلوچستان که از دو نی مساوی کاملاً مجزا تشکیل یافته. نی مذکر ۱۱ سوراخ و نی مونث ۸ سوراخ دارد.

دو هشتم (۲/۸) [Do haštom] : از تقسیمات میزان است، یعنی دو چنگ در هر میزان.

دهقان، احمد [Ahmad Dehqân] : مدیر تماشاخانه دهقان و از موسسین انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

دهقان، تاتر [Teâtre Dehqân] : تاتر معروف و قدیمی لاله زار که با مدیریت احمد دهقان آغاز به کار کرد و پس از مرگ ایشان، بیشتر برنامه های این تاتر را، رقص و آواز و شعبده بازی پر می کرد.

دهقان، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Dehqân] : از عاشیق های معروف آذربایجان غربی است که از ۱۲ سالگی ساز می زند. او از شاگردان عاشیق فرهاد سلیمی است.

دهقان یار، بهرام [Bahrām Dehqān-yār] : استاد و نوازنده چیره دست پیانو در تهران.

دهکی، علی [Ali Dehaki] : از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه و پسر حسین دهکی بازیگر مشهور آن زمان.

دهگان، کمال [Kamāl Dehqān] : خواننده و استاد تعلیم آواز در خوانسار در سال های پیش و پس از ۱۳۱۲ خورشیدی.

دُهل [Dohol] : سازی است کوبه ای که به آن طبل یا دبدبه یا دمامه نیز گویند. دهل متداول ترین ساز در سطح روستاهای ایران است. جنس آن معمولاً از چوب بوده و پوستی به دو سوی آن می کشند و با دو تکه چوب بصدا در می آید. چوب دست راست عصائی شکل است (کجک یا چنگال) و چوب دست چپ ترکه نازکی است که بر پوست زیرین زده می شود. دهل را بوسیله تسمه به گردن می آویزند.

دهلوی، امیر خسرو [Amir Xosro Dehlavi] : موسیقیدان مشهور ایرانی که چهارصد سال پیش ساز سی تار که سازی است ایرانی الاصل را به هندوستان برد. امیر خسرو دهلوی از شاگردان شیخ نظام الدین اولیاء بود. این موسیقیدان بزرگ، تنبور ایرانی را با اضافه کردن حجم کاسه طینی و سیم به سیتار تبدیل کرد.

او با الهام از موسیقی ترک آن زمان، سازی ساخت که در هنگام بداهه نوازی دیگر، مرتباً نت های do و sol را در فضا طنین انداخته و این الهام از تئوری موسیقی می گیرد حکایت از آن دارد که کلیه نت ها از شکم do و sol ایجاد می شوند.

امیر خسرو دهلوی با افزودن سیم به ساز سارود، شه رود را ساخت. از ابداعات این دانشمند و موسیقیدان بزرگ ایران شکل دادن دو ساز می باشد، یکی بنام تور که امروزه به قانون و دیگری شاهان تور که به سنتور موسوم است. از ابتکارات جالب امیر خسرو دهلوی ساختن طبله است.

دهلوی، حسین [Hoseyn Dehlavi] : آهنگساز ارزنده ای که از شاگردان مکتب ابوالحسن صبا است، که کلیه ردیف های اول و دوم را نزد ایشان آموختند و بعد ها در رشته موسیقی نائل به اخذ درجه لیسانس شدند. استاد دهلوی در زمان حیات صبا به سفارش ایشان بسیاری از قطعات موسیقی را برای اجرا ارکستر بزرگ هنرهای زیبای کشور تنظیم نمودند. او سال ها، ریاست هنرستان عالی موسیقی را بعهده داشت. استاد حسین دهلوی در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدرش معزالدین خان امامی از تار نوازان

ورزیده آن دوران بود که با ویلن نیز آشنائی داشت. معزالدين خان امامی، کلاس تعلیم موسیقی داشت. او برای پسر ۵ ساله اش تار کوچکی خرید و تعلیم او را به عهده گرفت. اما حسین موسیقی را با تار شروع نکرد. بعد ها پسر همسایه آن ها که یک سال از حسین بزرگتر بود (دکتر حسن فرشاد که در سال ۱۳۵۵ به ریاست هنرکده موسیقی ملی منصوب شد)، او را تحریک نمود که ویلن بنوازد و تمام مشق‌هایی که حسن فرشاد می گرفت، حسین دهلوی هم تمرین می کرد تا در سن ۱۱ سالگی به کمک پدر شتافته و در کلاس او شاگردان مبتدی را درس می داد. بعد ها استاد حسین دهلوی از دانش استاد ابوالحسن صبا و حسین ناصحی بهره برد.

از آثار برجسته و معروف استاد دهلوی می توان به: قطعه "سبک بال"، قطعه "فروغ عشق"، قطعه "سرباز"، فانتزی برای تار و ارکستر، سوئیت برای ارکستر زهی، موسیقی اپرای خسرو شیرین، موسیقی داستان بیژن و منیژه اشاره داشت.

استاد حسین دهلوی تا سال ۱۳۵۸ در وزارت فرهنگ و هنر به کار اشتغال داشت و آخرین سمت های ایشان کارشناس آموزش موسیقی و معاونت هنری اداره آموزش بود. استاد در سال ۱۳۵۸ باز نشسته شد. حسین دهلوی در سال ۱۳۵۰ برای فیلم آلبر لاموریس "باد صبا" با استفاده از موسیقی سنتی و آهنگ های عامیانه ایرانی موزیک متن فیلم ساخت.

دهلوی، سوسن (Susan Dehlavi): نوازنده چیره دست سنتور که در تهران فعالیت دارد.

دهنوی، مرتضی (Morteza Dehnavi): از صداپردازان و صداگذاران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

دیپازون (Diyapazon): وسیله ای است برای اندازه گیری و تعیین تقسیمات ارتعاشی اصوات موسیقی و تعیین کننده واحد ارتعاشات بین فواصل نت ها.

دیانتی، پرویز (Parviz Diyānati): نوازنده و سرپرست ارکستر جاز آبادان که در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی در آن شهر فعالیت داشت.

دیانی (Diyānāi): سازی است بادی از رده سوزنای.

دی دی (Didi): از آلات موسیقی بادی در بلوچستان که از دو نی مجزا تشکیل یافته و بر خلاف دونای،

طول نی ها فرق دارد. نی بزرگ ۷ سوراخ و بطول ۶۷ سانتیمتر و نی کوتاه، ۹ سوراخ و بطول ۴۱ سانتیمتر است.

دیز (Diyez) : علامتی است که صداهای طبیعی را نیم پرده کروماتیک بالا می برد. (زیر تر می کند).

دیکته موسیقی (Dikteye Musiqi) : نوشتن اصوات موسیقی از نظر صدا، وزن و سکوت.

دیل (Dil) : به دهل در موسیقی علی آباد کتول مازندران اطلاق می شود.

دیلمان (Deylamàn) : گوشه ای است در آواز دشتی.

دیلمان، موسیقی (Musiqi Deylamàn) : در منطقه دیلمان، علاوه بر مردم بومی آن، گروهی از مردم کُرد، ترک و لر نیز که اغلب مهاجر هستند، زندگی می کنند. کردهای اهل حق از طایفه کاکاوند از دوران افشاریه به بعد به دیلمان مهاجرت کرده اند اما موسیقی آنان دیلمانی است. موسیقی رزمی و تفریحی دیلمان بیشتر با سورنا و نقاره اجرا می شود. این بخش از موسیقی دیلمان در بر گیرنده نغمه هائی چون "کشتی مقام" (موسیقی مراسم کشتی محلی)، "چاه نخجیر" (مراسم شکار گوزن)، "لافند بازی" (مراسم بند بازی) می باشد. موسیقی بزمی یا مجلسی دیلمان که تعداد نغمه های آن نسبت به دیگر انواع موسیقی دیلمان بیشتر است از جمله: موسیقی عروسی و رقص. از آوازهای معروف دیلمان می توان به "حیران حیران" اشاره کرد. نغمه های موسیقی دیلمانی با آواز دشتی ردیف موسیقی سنتی قابل مقایسه است.

سازهای منطقه دیلمان عبارتند از نی که به آن لاله (lalah) گویند، کمانچه، سورنا، نقاره، کرنای شاخی و کرب یا کرب.

دیلیم پور، فراداد (Farādād Deylam-pur) : از فارغ التحصیلان دوره عالی (رشته موسیقی شناسی) هنرستان موسیقی ملی تهران و همدوره با فرهاد فخرالدینی، شاهرخ ناصری، مولود نوربخش و افلیا پرتو.

دیلیمی، کاوه (Kāve Deylami) : خواننده خوش صدا و از شاگردان ممتاز استاد غلامحسین بنان که در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در شهر رشت بدنیا آمد. کاوه دیلیمی پس از تحصیلات متوسطه به انگلستان رفت و در سال ۱۳۵۴ به ایران باز گشت. او نواختن تار را نزد استاد هوشنگ ظریف و استاد احمد عبادی آموخت.

کاوه دیلمی با گروه موسیقی شیدا به سرپرستی پشنگ کامکار همکاری نزدیک دارد.

دین دفتریه یا دین دبیره (Din Daftarye yâ Din Dabire) : خط موسیقی دوران ایران باستان. خط سرودهای مذهبی زرتشت. اختراع این خط موسیقی منسوب به زرتشت است.

دیورخش (Divraxš) : لحنی است در موسیقی عهد ساسانیان.